

جلسه بیست و ششم اعتقادات

«معاد- شرح حال معاندین و کفار بعد از مرگ»

۱- خلاصه شرح حال سه دسته بعد از مرگ

«أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله آل الله، لا
سيما على بقية الله روحى و أرواح العالمين لتراب مقدمه
الفداء و اللعنة الدائمة على أعدائهم أجمعين من الآن إلى
قيام يوم الدين»

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ
ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ»^۱

در هفته‌های گذشته درباره‌ی مسئله‌ی سكراتِ موت و جدا شدنِ روح از بدن انسان و گذراندن یک دورانی که برای بعضی خیلی دیر می‌گذرد و برای بعضی زود می‌گذرد و برای بعضی یک لحظه می‌گذرد، عرایضی عرض شد. امیدوارم خیلی دقت کنید مطالبی که عرض می‌شود؛ خلاصه‌ای از آیات و روایات اسلامی است که تنقیح شده، استنباط شده و مضامینش بیان می‌شود. دسته‌ای از این جمعیت که در روی

۱ - سوره ق، آیه ۱۹.

کری زمین این ها از دنیا می روند که اولیاء خدا هستند، انبیاء هستند، شهداء هستند، صالحین و صدیقینند و یک عده هم که مشغول رفتن به سوی پروردگارند که مجموعاً پنج دسته می شوند، این ها را توضیح دادم و ان شاء الله امیدواریم ما هم یکی از آن پنج دسته باشیم و پس از مرگ بعد از سؤال بشیر و مبشر به طرف آسمان چهارم که بهشتِ برزخی در آنجا است حرکت کنیم و ان شاء الله امیدواریم در دنیا که نشد ما معصومین علیهم السلام را حضوراً زیارت کنیم. ان شاء الله در عالم برزخ در کنارشان باشیم و با آنها زندگی کنیم تا روز قیامت، دسته ی دوم را که توضیح دادم آنها می هستند که

اعتقاداتشان خوب، شیعه‌ی علی ابن ابیطالب علیه‌السلام
ولی اهل تزکیه نفس نبوده‌اند. چنانچه می‌بینید اکثر مردم
شیعه این طورند و بالاخص کسانی هستند که اهل گناه و
معصیتند، حتی در راه تزکیه نفس هم قرار نگرفته‌اند؛ این‌ها
یک حالت اغمایی به آن‌ها دست می‌دهد که اگر یک
میلیارد سال هم بگذرد بر آن‌ها یک لحظه می‌گذرد و بعد هم
قیامت بر پا می‌شود و دسته‌ی سوّم از این مردمی که از دار
دنیا می‌روند این‌ها کسانی هستند که معاندند.

۲- انواع عناد

معاندت و دشمنی با خدا گاهی غیرعمدی است و گاهی عمدی است، غیرعمدی ان شاء الله خدای تعالی می‌گذرد و ممکن است مورد عفو قرار بگیرد. اما عمدی ممکن نیست خدا از این دسته که عمداً با خدای تعالی دشمنی کرده‌اند بگذرد. دشمنی با خدا اول دوستی با شیطان است، «لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ»^۲ دشمنان من و دشمنان خودتان را، دشمن من و دشمن خودتان را برای خودتان سرپرست قرار ندهید، شیاطین در دنیا خیلی فعالند.

۲ - سوره ممتحنه، آیه ۱.

البته ما شاید شیطان را یک قصّه‌ای تصوّر کنیم، روح را یک موجودی که ناشناخته است تصوّرش کنیم، ملائکه را یک چیزی که شاید هیچ وقت به فکرش نباشیم تصوّر کنیم، امّا این‌ها حقیقتشان بیشتر از ما است چون ما از این عالم مُلکیم، ما با این دنیا و جمادات سروکار داریم.

۳- عالم ملک و ملکوت

اگر بخواهیم موجودات عالم هستی را دو بخش تقسیم کنیم، یک بخش آن بخشی است که با این چشم دیده می‌شوند، یک بخش هم آن بخشی است که با این چشم دیده نمی‌شود،

آن‌هایی که با این چشم دیده می‌شوند همین چیزهایی است که ما می‌بینیم، ستارگان آسمان، کهکشان‌ها و کروی زمین و مردم زمین و جماداتی که در این کره هست و حیوانات و نباتات و این طور چیزها، آن بخشی که دیده نمی‌شود؛ یعنی آن قسمتی که از موجودات هستند و دیده نمی‌شوند اول خدا است، بعد ملائکه‌اند، بعد ارواح و بعد هم اجنه هستند.

شما ببینید خدای تعالی در آن بخش قرار گرفته و اهمیت آن بخش به همین مناسبت خیلی بیشتر از این بخش است، این بخش یک پوسته است، این بخش یک جمادی است که اگر روح هم دارد روحش در آن بخشی قرار گرفته که دیده

نمی‌شود و به طور اجمال هر چه که با این چشم دیده شود و هر چه که با این گوش شنیده شود و هر چه که با یکی از این حواس پنج‌گانه‌ی ما حس شود این‌ها جزء عالم مُلک است؛ یعنی عالم مُلک، عالم دنیا، دنی و پست است و هر چه که دیده نمی‌شود و شنیده نمی‌شود، با حواس پنج‌گانه‌ی ما احساس نمی‌شود این‌ها جزء عالم ملکوت است، «و پیدِه مَلَكُوتُ كُلِّ شَیْءٍ»^۳ ملکوت هر چیزی در اختیار خدا است، در تحتِ قدرتِ پروردگار است، ولی مُلک این طور نیست، نه اینکه تحت اختیار پروردگار نباشد، ولی رها است، آزاد است،

۳ - سوره مومنون، آیه ۸۸.

به اصطلاح ارزش اینکه خدا بخواهد مستقیم او را حفظ کند، راهنمایی کند نیست. موجوداتِ عالم هستی؛ یعنی آنچه که دیده می‌شود، آنچه که با حواس پنج‌گانه احساس می‌شود این‌ها اصلاً لیاقت این را ندارند که به اصطلاح تحتِ فرمانِ پروردگار باشند یعنی به این معنا که با اختیار خودشان، تحت فرمان پروردگار باشند.

انسان، حیوان، نبات، جماد، این‌ها چیزهایی هستند که دیده می‌شوند، انسانی که دیده می‌شود روحش نیست، بدنش است، حیوانی که دیده می‌شود روحش دیده نمی‌شود بدنش دیده می‌شود؛ یعنی وقتی که انسان مُرد یا به خواب رفت

می بینید از این انسان هیچ چیز کم نشده، آنچه که کم شده
است شما آن را ندیدید، شما بالای سر یک نفر نشسته اید
می بینید که این شخص چشم هایش روی هم است،
نمی توانید بفهمید که این خواب است یا بیدار، مگر از
احساس شما این مطلب را بفهمید و الاّ از بدنش چیزی کم
نمی شود، نه سبک تر می شود، نه سنگین تر می شود، نه وزنش
فرقی می کند، بنابراین خوب دقّت کنید، آنچه انسانیت
انسان را به اصطلاح تثبیت می کند روح انسان است، همانی
که دیده نمی شود، آنچه یک جماد را از جماد بودن بیرون
می آورد و خدا را تسبیح می کند، آن روحی است که در او

هست والّا جماد، جماد است، حتّی انسان هم همه‌ی ما که اینجا نشسته‌ایم منهای روح همه‌مان جمادیم و هیچ ارزشی نداریم، ارزش هر کسی به روحش است، ارزش هر کسی به آن فهم و درک و عقل و تقوایش است.

حالا که مطلب به اینجا رسید عرض می‌کنم؛ وقتی که انسان می‌میرد همان چیزی که دیده نمی‌شود، همان ملکوتِ انسان «قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي»^۴ روح از امر پروردگار است نه از خلقت، روح مخلوق خدا به یک معنا هست امّا نه آن مخلوقی که شما با حواس پنج‌گانه‌تان آن را احساس کنید، روح البته طبق

۴ - سوره اسراء، آیه ۸۵.

مکتبِ اسلام و مکتبِ تشیع جسمی است لطیف، یک جسمی است. جسم یعنی چه؟ یعنی مجرد مطلق نیست، مجرد مطلق یک موجود بیشتر معنا ندارد، مجرد مطلق؛ یعنی آن چیزی که هیچ قیدی به او نخورد، نه زمان داشته باشد، نه مکان داشته باشد، نه از دیگری جدا باشد، این را می‌گویند مجرد مطلق و آن یکی است و آن خدای تعالی است، ولی روح انسان مجرد نسبی است؛ یعنی نسبت به موجودات دیگر عالم مُلک مجرد است، به این معنا که مثل سایر موجودات جسم باشد، دیده بشود، از گوش صدایش شنیده شود این طور نیست.

۴- حقیقت انسان

در اینجا یک مطلبی را که من می‌خواهم هر طوری است شما را متوجه این مطلب بکنم این است که ما این نیستیم که الآن دیده می‌شویم، الآن اینجا جمعی هستید ما داریم شما را می‌بینیم، همه شما چشم دارید، همه شما گوش دارید، همه شما به اصطلاح زبان و بینی دارید، همه چیز دارید. اما دل‌هایتان، ارواحتان، افکارتان با هم تفاوت دارد، ممکن است در همین لحظه یکی به فکر خانه‌اش باشد، یکی به فکر صحبت‌های من باشد، یکی یک آدم حسودی باشد که اینجا

نشسته است، یکی یک آدم بخیلی باشد که اینجا نشسته است، از قیافه‌ها هیچ معلوم نیست که روحیات این طرف چیست؟ آن روحی که نمی‌توانیم ببینیم آن را، آن روحی که همه چیز ما هست، آن چیزی که من وقتی می‌خواهم از آن اسم ببرم فقط می‌گویم: «من» من، چشم من، گوش من، بدن من، آن من چه کسی هست؟ آن همان شخصیت شما است، همان چیزی است که دارای صفات حمیده هست یا دارای صفات رذیله است، آن چیزی است که می‌بیند وقتی که خواب هستید نمی‌بینید، می‌شنود وقتی که خواب هستید نمی‌شنوید، آن کسی که، آن چیزی که اگر یک شخصی الآن

دست به بدن شما بکشد کاملاً احساس می‌کنید اما وقتی خواب هستید احساس نمی‌کنید آن را من می‌گویم، آن انسان است. این بدن جزء لباس، جزء مرکب زیر پای شما چیز دیگری نیست، خوب دقت کردید؟

۵- فرق خواب با مرگ

این‌هایی که از دنیا می‌روند این بدن را می‌گذارند، اینکه شما موقع خواب می‌گذارید در آن جا به کلی گذاشته می‌شود، در قرآن آمده است که فرق بین خوابی که هر شب اگر شما یک ساعت دیرتر یک شب خواب‌تان ببرد ناراحتید و به سراغتان

می‌آید این خواب عین مُردن است و مُردن عین این خواب است، با یک تفاوت؛ وقتی که انسان می‌میرد قطع می‌شود روحش از بدن و دیگر بر نمی‌گردد علّتی هم البتّه خواهد داشت، این بدن دیگر آمادگی فعّالیت روح در آن نیست، مثلاً فرض کنید یکی قلبش از کار افتاده، دیگر روح نمی‌تواند با این بدن کار بکند، یکی مغزش از کار افتاده دیگر روح با این بدن، با این مغز نمی‌تواند کار بکند، بنابراین چون این علّت در بدن بوجود آمده روح می‌رود و نمی‌تواند دیگر برگردد، ولی در خواب این طور نیست، روح می‌رود عین همان مُردن ولی می‌تواند برگردد، تا دست به او بزنید، بلند می‌شود، بیدار

می‌شود، بلکه این طوری، این صریح قرآن است، آنچه که در قرآن آمده همین است که عرض می‌کنم، که البته چون آیه‌اش ممکن است در ذهنم الآن درست نیاید از این جهت آیه را عیناً نمی‌خوانم.

پس بنابراین همان طوری که گاهی ما می‌خواهیم خواب‌های خوب می‌بینیم، گاهی می‌خواهیم خواب‌های بد می‌بینیم، گاهی هم اصلاً خواب نمی‌بینیم، این مردم هم بر سه قسمتی که تقسیم کردم همین است. کفار و معاندین بالاخره روحشان و وجدانشان معتقد است که قیامتی هست، مثل یک فردی که الآن آزاد است اما بردند او را، محاکمه‌اش کردند، یا فردا

می‌خواهند محاکمه‌اش کنند و خودش می‌داند اعدامی هست، شب چه حالتی دارد؟ شب یا خوابش نمی‌برد یا اگر چشم‌هایش گرم شد، می‌بینید چوبه‌ی اعدام و دار و آن ریسمان در حال انداختن به گردن او و امثال این‌ها است، این طور حالتی است. در عالم برزخ این دسته‌ی معاند، کسانی که با خدا جنگ کرده‌اند این دسته در عالم برزخ یک چنین حالتی دارند ولی جدی‌تر، در خواب انسان می‌پرد از خواب، می‌گوید: به به چه خوب شد که خواب بودم، راحت شدم! اما در عالم برزخ دیگر بیدار شدن نیست.

۶- عذاب معاندین در برزخ

بدنی به او می‌دهند در روایات، مختلف است، گاهی بصورت سگی که مریض است و همه‌ی سگ‌ها به او حمله می‌کنند یک همچنین حالتی دارد. یک نفر از اصحابِ امیرالمؤمنین آمد خدمت علی ابن ابیطالب علیه‌السلام، یا علی! یک مسائلی مربوط به پدر من است من نمی‌دانم چه کار بکنم، حضرت فرمود: برو در فلان مزبله‌دان، آنجا یک سگی است، بسیار سگ پستی است، سگ‌های دیگر به او حمله می‌کنند، او پدر تو است، بگو، امیرالمؤمنین امر فرموده: که تو با من صحبت کنی، می‌رود آن‌جا می‌بیند بله همان‌طوری که

آقا نشانی داده‌اند این سگ این جا وجود دارد به او این مطلب را می‌گوید او به حالتی در می‌آید که تا حدّی می‌تواند صحبت کند، با اراده‌ی ولایتی علی ابن ابیطالب علیه‌السلام این کار انجام می‌شود و بعد گریه می‌کند می‌گوید: دست از دامنِ مولایت امیرالمؤمنین بر ندار که من آنچه که تو می‌بینی یک سر سوزن از عذاب‌های روحی من است و کوشش کن که با امامت، با علی ابن ابیطالب علیه‌السلام باشی و آن ذخایری که در اختیار من بود، فلان محلّ من گذاشتم و برو بردار بده به صاحبانش و از این قبیل روایات زیاد داریم که معاندین، دشمنان دین، آن‌هایی که سَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

کرده‌اند، آن‌هایی که یک گروه از مردم را منحرف کرده‌اند، خیلی حواستان جمع باشد که خدای نکرده یک مطلبی که برخلاف روایات و آیات قرآن است بگویید و جمعی را منحرف کنید. این‌ها در بعد از این عالم؛ یعنی به مجرد اینکه انسان مُرد، روحش قبض شد، نکیر و منکر اوّل به سراغش می‌آیند، با همان معنایی که شماها شنیدید که فکر می‌کنید ممکن است مال شیعیان علی ابن ابیطالب علیه‌السلام باشد! اما این طور نیست، به سراغش می‌آید، اسمشان هم نکیر و منکر است، در آنجا اسم همین دو نفر بشیر و مبشّر بود، چرا؟ به جهت اینکه آنجا بشارت می‌دادند، آنجا

می گفتند خدا به تو سلام رسانده، آنجا بشارت بهشت به تو
می دادند لذا اسمشان بشیر و مبشر است، در روایات و ادعیه
هم هست این دو، همین دو نفر وقتی که با یک نفر از
دشمنان دین برخورد می کنند با دشمنان خدا برخورد
می کنند، با شیطان سیرتان برخورد می کنند، اسمشان می شود
نکیر و منکر، منکر؛ یعنی تو را نمی شناسنت، آخر خیلی فرق
است انسان یک جایی برود، یک مهمانی برود دم در، دو نفری
که آنجا هستند بشناسند او را و به او بشارت بدهند یا
نشناسند او را راهش ندهند و یا اگر هم راهش می دهند با
کمال تحقیر راهش می دهند، نکیر و منکر، اینها سؤال

می‌کنند، چون انسان در یک جایی وحشتناکی که نمی‌داند چه بسرش خواهد آمد، بدترین کاری که از انسان و بزرگ‌ترین عذابی که به انسان متوجّه می‌شود این است که یک نفر هم حالا اینجا بیاید بخواهد راه انسان را تنظیم کند، تعیین بکند و سؤالاتی از انسان بکند و نداند چه بگوید، چون آن‌هایی که عادت کردند در این دنیا با خدا مبارزه کنند هیچ وقت نمی‌گویند: «اللّٰهُ جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّي» نمی‌گویند.

چند تا شیعه‌ای که به ما تلقین می‌کنند در داخل قبر می‌گویند: اگر آن دو تا ملک مقرب آمده‌اند و از تو سوال کرده‌اند که «مَنْ رَبُّكَ؟ قُلْ: اللّٰهُ جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّي» این مال

شیعیان است، شیعیان می‌گویند، ما یک عمر هر روز از قبل از تکلیف در نمازمان گفته‌ایم: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» در نمازمان گفته‌ایم: «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ» در اذان گفته‌ایم، در اقامه گفته‌ایم، در همه جا گفته‌ایم، ورد زبانمان است، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» نکیر و منکر می‌خواهد اسمشان باشد، بشیر و مبشر می‌خواهد اسمشان باشد، تا بپرسند «مَنْ رَبُّكَ؟» الله جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّي»^۵ از من سوال می‌کردند در همین هفته که این تلقین میت که در سر قبر برای شیعیان گفته می‌شود این بیشترش برای آن‌هایی است که بالای قبر ایستاده‌اند آن‌ها

۵ - کافی، ج ۳، ص ۲۳۱.

گوش بدهند، آن‌ها حواسشان جمع باشد والاّ این روح پاکی که همیشه دم از علی ابن ابیطالب علیه‌السلام می‌زده، همیشه دم از وحدانیت پروردگار می‌زده، همیشه با پیغمبر آشنا بوده اینکه دیگر مسئله‌ای ندارد.

اما معاندین، تا به آن‌ها می‌گوییم: خدا، ول کنید این حرف‌ها را، خدا نکند که ما این طور باشیم، این‌ها دیگر قدیمی شد، قرآن قدیمی شد، اسلام را یک اسلامی معرّفی می‌کنند.

۷- نهی از ولایت معاندین و شیطان

خدای تعالی در قرآن فرموده: «لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ»^۶ متأسفانه طوعاً و کرهاً ممالک اسلامی امروز باید یهود و نصارا را برای خودشان ولی قرار بدهند، نگذارید، نشوید، این طور نباشید که آن‌ها را ولی خود قرار بدهید، باید تحت ولایت خدا و پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السّلام و فقهای بزرگ باشید.

۶ - سوره مائده، ص ۵۱.

خب کسی که ولی اش شیطان است، شیطان هم «إِنَّ الشَّيَاطِينَ لِيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ»^۷ شیاطین به اولیاءشان وحی می کنند، چگونه مردم را به جان یکدیگر بیاندازید، چگونه اختلاف ایجاد کنید، چگونه وحدتتان را از بین ببرید، چگونه تحت فرمان قرآن و روایات نباشید، این ها را شیطان وحی می کند، والا آنچه که خدا وحی کرده این است که تحت فرمان خدا و پیغمبر و اولوالامر باشید، «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۸ این فرمان خدا است، فرمان پیغمبر هم همین است، فرمان ائمه اطهار علیهم السلام هم همین است،

۷ - سوره انعام، آیه ۱۲۱.

۸ - سوره نساء، آیه ۵۹.

فرمان فقهای که «صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالِفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ»^۹ همین است، این‌ها ببینید وحدت دارند، شیطان است که وحی می‌کند حتّی با کلمه‌ی وحی، «إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ»^{۱۰} شیاطین به اولیای‌شان وحی می‌کنند، آن‌ها هم اولیاء شیطانند، خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: به شیطان که تو بر بندگان من تسلّط پیدا نمی‌کنی، «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ»^{۱۱} «إِنَّمَا سُلْطَانُهُ

۹ - بحار الانوار، ج ۲، ص ۸۸.

۱۰ - سوره انعام، آیه ۱۲۱.

۱۱ - سوره حجر، آیه ۴۲.

عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ»^{۱۲} تسلط شیطان بر کسی است که ولایت شیطان را قبول کند، شما بنشینید «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا»^{۱۳} قبل از قیامت خودتان بنشینید حساب کنید ببینید در شبانه روز چقدر تحت فرمان شیطانید و چقدر تحت فرمان خدایید؟ اگر تحت فرمان شیطان بیشتر باشید، یقیناً ولایتان شیطان است، اگر تحت فرمان پروردگارتان باشید خب ولی شما خدا است، «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا»^{۱۴} تحت ولایت خدا هستید، همین معنا می آید در شب اول قبر، شیطان هم

۱۲ - سوره نحل، آیه ۱۰۰.

۱۳ - بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۴۹۳.

۱۴ - سوره بقره، آیه ۲۵۷.

می‌آید، همین آیاتی که امروز می‌خواندند ایشان همین آیات داشت اشاره‌ای به این معنا داشت که شیطان می‌گوید: من از تو بیزارم، عاقبتی ندارد پیروی از شیطان، عاقبتش همین است می‌گوید: من از تو بیزارم، خب من از آنقدرت با آن عظمت بالاخره می‌ترسم، همین آیاتی بود امروز خواندید و یک هفته هست می‌خوانید، شیطان شما را ترک می‌کند، تنهایتان می‌گذارد. آن وقت وقتی که سؤال می‌شود «مَنْ رَبُّكَ؟» نمی‌دانید، «مَنْ نَبِیُّكَ؟» نمی‌دانید، یعنی می‌دانید خجالت می‌کشید بگویید: ربّ من خدا است، آخر تو چقدر تحت تربیت خدا بودی؟ کدام کارت تحت ربوبیت الهی بوده که

حالا می‌گویی «من الله جل و جلاله ربی!» اگر یک بچه‌ای
اصلاً مدرسه نرفته و بلکه رفته در کوچه و بازار مثلاً بیکاری
کشیده و اصلاً تربیت نشده بیاید بگوید: این معلّم این
مدرسه مربّی من است، می‌گوید: کجا من مربّی توام؟! ما کجا
می‌توانیم بگوییم: «اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّي» با اینکه با خدا
دشمنی کردیم! چگونه می‌توانیم بگوییم که پیغمبر ولی ما
است، رهبر ما است و حال اینکه با پیغمبر اکرم
صلی الله علیه وآله دشمنی کردیم!

۸- معاندین، مخلد در جهنم

لذا معاندین را حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حتی در قیامت درباره‌اش می‌فرماید: که در آن دعای شریف کمیل «أَقْسَمْتُ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» خدایا! تو قسم خوردی که جهنم را پُر کنی از کافرین، جنّ و انس، «وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ» مخلّد کنی معاندین را در جهنم، خلود مال آنها است، حالا اگر معاند نبود ولی کافر بود، معصیتکار بود، یک فردی بود که در گوش‌های نشسته ولی خدا را قبول ندارد، پیغمبر اسلام را قبول ندارد، دین را قبول ندارد ولی معاندت هم نکرده با پروردگار، این شخص

احتمال دارد از همین جمله‌ی امیرالمؤمنین علیه‌السلام استفاده می‌شود که از داخل جهنّم نجات پیدا کند ولی «وَ أَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ» معاندین مخلصند.

۹- ربا، دشمنی با خدا

اوّل کاری که می‌توانید باید هم کنید این است که با خدا دشمنی نکنید، یکی از چیزهایی که متأسّفانه دامن‌گیر ما است و ممکن است در بین ما وجود داشته باشد رباخواری است، خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: هر کس خواست ربا

بخورد، «فَأَذْنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ»^{۱۵} اعلام جنگ با خدا کند. کوشش کنید که ربا ندهید، ربا نخورید، کلاه شرعی را من نمی‌توانم بگویم چطوری است ولی یک جریانی داریم در قرآن که خدای تعالی از این نحوه کلاه شرعی هم خیلی به غضب می‌آید، به بنی‌اسرائیل گفتند: روز شنبه ماهی نگیرید، بگذارید ماهی‌ها یک خرده استراحت کنند، این‌ها رفتند یک گودال‌هایی کنار آن، روز شنبه ماهی نگرفتند هیچ اصلاً دست به ماهی نزنند، ولی یک گودال‌هایی کنار نهر کردند - یاد هم بگیرید بد نیست حالا نه برای مخالفت با خدا، برای

۱۵ - سوره بقره، آیه ۲۷۹.

ماهی‌گیری - این ماهی‌ها، حیوان‌ها می‌آمدند رد بشوند
می‌افتند داخل آن گودال، تا شب کَلّی ماهی افتاده بود آن تو،
فردا صبح اوّل وقت روز یکشنبه می‌رفتند همه‌ی را
می‌گرفتند، این‌ها هم راست می‌گفتند، روز شنبه ماهی
نگرفتند ولی هر چه می‌خواستند روز شنبه بگیرند صبح
یکشنبه همه را جمع می‌کردند می‌گرفتند، خدا به خاطر این
کارشان می‌دانید چه کرد؟ یک خرده‌ای فکر کنیم ببینیم ماها
از این کارها نکنیم، عذاب همان است، «کُونُوا قِرَدَه
خَاسِیْن»^{۱۶} خدای تعالی این‌ها را مسخ‌شان کرد، به صورت

۱۶ - سوره بقره، آیه ۶۵.

بوزینه در آن‌ها آورد و بعد از سه روز هم همه‌شان به درک
واصل شدند، حواس‌مان جمع باشد من نمی‌خواهم اینجا
حُکمی عرض کنم یا فتوایی عرض کنم، حالا ممکن است
روی یک اساسی، فتوایی داده بشود. امّا کوشش کنید که ربا را
این طوری نخوریم، همان ربا است، چه فرقی می‌کند؟ یک
شاخه‌ی نبات را من به تو می‌فروشم به ده میلیون، جای
دیگری هم باشد همین کار را می‌کنی؟ و بعد همین شاخه‌ی
نبات را از تو می‌خرم به دوازده میلیون، حالا من بلد تا حدّی
هم بلد نیستیم ولی فعلاً نمی‌خواهم مطالبی را عرض کنم که

شماها یاد بگیرید، نه، «أَحَلَّ اللهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا»^{۱۷} خدا حلال کرده خرید و فروش را، یک چیزی بخر فردا ده برابر بفروش به طوری که به مردم فشار نیاورده باشی، اذیت نکرده باشی، احتکار نکرده باشی، ظلم نکرده باشی، نوش جان، «أَحَلَّ اللهُ الْبَيْعَ، حَرَّمَ الرِّبَا» این مسئله را من امروز خواستم تذکر بدهم چون خیلی مشکل است که انسان شیعه باشد، اهل تزکیه نفس باشد، بعد نکیر و منکر به انسان بگویند که تو با خدا جنگیدی، جنگ کردی، تو با پروردگارت نساختی.

۱۷ - سوره بقره، آیه ۲۷۵.

۱۰- رفاقت با خدای تعالی

ما در دنیا می‌خواهیم با خدا بسازیم؛ یعنی خدا می‌خواهد با ما بسازد، ما هیچ وقت نمی‌توانیم اسممان را رفیق خدا بگذاریم ولی خدا اسم خودش را رفیق ما گذاشته، یکی از اسماء پروردگار رفیق است، چرا؟ به جهت اینکه همیشه آن کسی که سالم است، آن کسی که پاک است، آن کسی که خوب است، آن با آن کسی که ناسالم است، ناپاک است رفیق و مدارا می‌کند، رفیق از رفیق و مدارا است، خدا با ما رفیق می‌کند، مدارا می‌کند، با همه‌ی بدی‌هایمان باز هم دوستانه دارد، با همه‌ی بدی‌هایمان تحت رحمانیت پروردگار دائماً

قرار گرفتیم و گاهی هم رحیمیت پروردگار شامل حالمان می‌شود، مواظب باشیم، ذکر «یا رفیق» را اگر توانستید بگویید، زیاد هم بگویید، بگذارید خدا با شما بیشتر از آنچه که به دیگران مدارا می‌کند و با آن‌ها رفیق است با شما رفیق باشد، بهترین رفیق است، بهترین مداراکننده است و ما می‌خواهیم در این دنیا با خدا رفیق؛ یعنی خدا رفیقمان باشد، با خدا کنار بیاییم، با خدا بسازیم و با خدا باشیم و ان شاء الله خواهیم بود و امیدوارم پروردگار متعال ما را در این دنیایی که برای امتحان آمده‌ایم در این دنیا سرفراز قرار بدهد و آن روحی که از بدن ما خارج می‌شود در شب اول قبر اگر جزء آن‌هایی

باشیم که از ما بشیر و مبشر استقبال کنند که امیدمان این است و با توسّل به فاطمه زهراء سلام الله عليها ان شاء الله این برنامه را خواهیم داشت و اگر نشد روز قیامت که بر پا می شود باز در دامن خاندان عصمت باشیم که آن ها به ما کمک کنند و ما را تزکیه نفس کنند و جزء آن هایی نباشیم که «وَيْلٌ لِّمَنْ كَانَ شُفَعَاؤُهُ خُصَمَاءُ»^{۱۸} انسان امید داشته این رفیق ما، این دوست مان که در آن تشکیلات هست تا ما را می بیند ما را ببرد فوراً به مقصدمان، به محلّ کارمان برساند، همان برگشته با ما دعا می کند: تو چرا آمدی، تو با این روی سیاه آمدی

۱۸ - روضه الواعظین، ج ۱، آیه ۱۹۵.

می‌خواهی من شفیع‌ات باشم؟ روز قیامت حتی شب اوّل
قبر، چون روایاتی دارد هر کس بمیرد امام‌زمانش را می‌بیند در
خصوص علی ابن ابیطالب علیه‌السلام هم هست، امّا با
مؤمنین با صورت باز برخورد می‌کند حضرت، ولی با دشمنان
با یک صورتی که اگر عذابی نداشته باشد انسان جزء همان
برایش کافی است.

ایام به یک مناسبتی تعلق به فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها دارد،
چون وفات حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را هم چهل و پنج روز
نوشته‌اند، هم هفتاد و پنج روز نوشته‌اند و هم نود و پنج روز.
جداً هیچ وقت فکر کردید چقدر دشمنان ظلم به ما کرده‌اند

که وفات تنها دختر پیغمبر آن هم با آن سفارشاتِ خدا در قرآن: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^{۱۹} قُربی از نظر معنا و قرآن و روایات در مرحله‌ی اوّل فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها است، این معلوم نباشد که بعد از پدر چهل و پنج روز مانده در دنیا، بعد از پدر هفتاد و پنج روز مانده در دنیا یا نود و پنج روز؟ اُف بر این دنیا! اُف بر این مردمی که قدر خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام را نشناختند و مردم را به طرف بدبختی کشاندند تا جایی که فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها بفرماید: «صُبَّتْ عَلَى مَصَائِبٍ لَوْ أَنَّهَا صُبَّتْ

۱۹ - سوره شوری، آیه ۲۳.

عَلَى الْأَيَّامِ صُرْنَ لَيَالِيَا»^{۲۰} بر من یک مصائبی وارد شد که اگر
بر روزهای روزگار وارد می‌شد شب می‌شد خدایا! به آبروی
فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها قسمت می‌دهیم دنیا و آخرت
دست ما را از دامنش کوتاه مفرما.

«نَسْئَلُكَ اللَّهُمَّ وَ نَدْعُوكَ بِأَعْظَمِ اسْمَائِكَ وَ بِمَوْلَانَا
صَاحِبِ الزَّمَانِ يَا اللَّهُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ وَ يَا اللَّهُ وَ يَا اللَّهُ وَ
يَا اللَّهُ وَ يَا اللَّهُ وَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنَ وَ يَا رَحِيمَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ،
يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ، عَجَلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ، عَجَلْ لِمَوْلَانَا الْفَرَجَ»
خدایا! فرج امام زمانمان را برسان، قلب مقدّسش را از ما

۲۰ - بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۰۶.

راضی بفرما، همه‌ی ما را از یاران خوب آن حضرت قرار بده،
خدایا! ما را در عالم برزخ از اولیائت قرارمان بده، از صدیقین
از صالحین قرارمان بده، خدایا! به ما لیاقت شهادت در
رکاب امام زمان مرحمت بفرما، پروردگارا! به آبروی آقا حجة بن
الحسن مرض‌های روحی‌مان هر چه زودتر شفا مرحمت
بفرما. خدایا! به آبروی ولی عصر ارواح‌نافداه قسمت می‌دهیم
مرض‌های اسلام، مریضه‌ی منظوره، مریض منظور الساعه
لباس عافیت بیوشان، امواتمان غریق رحمت بفرما،
شهدائمان امام راحلمان غریق رحمت بفرما.